

# روزنامه‌نگاری زنده است

6 آبان 1403

هنوز هم جهان خبر به ما نیاز دارد

نازنین متین‌نیا - حالا مدت‌هاست که می‌گویند روزنامه‌نگاری در ایران مرده. دلیل هم می‌آورند؛ مردم زودتر از شبکه‌های خبری، خبر را پیدا می‌کنند و آزادتر، در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند، درباره‌اش می‌نویسند، نتیجه‌گیری می‌کنند و تمام. نمونه محاوره و خودماني این نظریه را اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم، می‌شود توییتهایی که روز شنبه یکی از کاربران منتشر کرد و نوشت: «اسرائیل زده، بیانیه هم داده گفته زدیم، مردم هم نقاط انفجار را درآوردن و رفتن خوابیدن، اونوقت شبکه خبر داره میگه منشأ انفجار هنوز معلوم نیست».

اما آیا واقعا این نظریه درست است؟ آیا واقعا ما، روزنامه‌نگارهایی که هنوز توی خط اول ایستاده‌ایم، آب در هاون می‌کوبیم و بهتر است همه‌چیز را رها کرده و برویم پی کاری دیگر و دغدغهای دیگر؟ نباید از خودمان بپرسیم حالا که اعتماد مردم به روزنامه‌نگار ایرانی و توانایی‌اش برای انتشار خبر روزبه‌روز ضعیف‌تر و بی‌اهمیت‌تر می‌شود، چرا باید نام خود را به بازی بگیریم و در پوچی قدم برداریم؟ ... این سوال‌ها واقعیت‌عریان این روزهای نسبت ما روزنامه‌نگارها با روزنامه‌نگاری است. اگر تا يك دهه پیش، فقط خطر ممیزی و سانسور شغل ما را تهدید می‌کرد، حداقل در ده سال گذشته و سرعت فراگیری شبکه‌های اجتماعی و راه و رسم خبریابی برای مردم، به عوامل آسیب‌زای شغل ما اضافه شده. در کنار این، روند غیرشفاف و همیشگی بنگاه‌های خبری نظیر همین شبکه خبر یا رسانه‌های دولتی دیگر و صدالبته شبکه‌های نظیر ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی هم، مه مغزی روزنامه‌نگاری در ایران را بیشتر کرده. مردم واقعا نمی‌دانند به کجا اعتماد کنند و کدام خبر را درست ببینند. ما هم نمی‌توانیم برگردیم به عقب، یادشان بیندازیم که روزگاری نه چندان دور، مثلا همان دوره ۸۸، پای کار بودیم و جنگیدیم تا خبر خش‌خورد و واقعی به دست‌شان برسد. کار از کار گذشته. اما آیا من روزنامه‌نگار هم باید باور کنم که دیگر کاری از دستم برنمی‌آید و بهتر است عطای روزنامه‌نگاری را به لقایش ببخشم؟

نتیجه‌گیری‌ها روی کاغذ، به این سوال من يك بله محکم است. اما در واقعیت باید بگویم، هنوز هم جهان خبر به ما نیاز دارد. شاید حالا ما روزنامه‌نگارها و خبرنگارها، دقیقا آنهایی نباشیم که برای رساندن خبر، مردم به ما نیاز دارند. اما قطعاً می‌توانیم آنهایی باشیم که «ارایه خبر»، «چگونگی» و «نحوه انتشار» را خوب می‌دانیم و قطعاً، حضورمان لازم و واجب است.

واقعیت این است در جهانی که خبر دیگر دست اولی نیست و ماهیت واقعی خود را از دست داده، همچنان روند بررسی و پیدایش هر اتفاقی، کار مردم عادی نیست.

روزنامه‌نگاری بر اولویت انتشار خبر بنا شده اما در کنار آن، هزار و يك آموخته دیگر دارد. ما یاد گرفتیم که شفافیت در آرایه‌عریان واقعیت نیست، فهمیده‌ایم که پس و پیش جملات تاثیرگذاری خاص خود را دارد، می‌دانیم که گاهی زاویه دوربین‌ها به مصلحت تنظیم می‌شوند و آگاهی در فهم چرخاندن دوربین در زاویه مناسب و دیدن حقیقت پنهان است و از همه مهم‌تر، برای درك عمیق تمام اینها، تمرین کردیم،

زندگی کردیم و سرفرار اول ماندیم که شرافت روزنامه‌نگاری به ارجح دانستن مردم و تشخیص مصلحت مردم و کشور است و نه هیچ‌چیز دیگر. به‌جز این اگر بود، خبرنگارها و روزنامه‌نگارهای شریف این سرزمین که تعدادشان هم کم نیست، متحمل این همه سختی نمی‌شدند و تاب نمی‌آوردند که برچسب کنار نام‌شان، روزنامه‌نگار باشد؛ در همین تحریریه‌های ناچیز باقی‌مانده. ما مانده‌ایم، دست و پا زدیم که بگوییم عصر روزنامه‌نگاری و روزنامه در ایران تمام نشده اما، نیازی به دست و پا زدن نیست.

هنر نوشته‌ای، هر توییتی، هر خبری که به نام روزنامه‌نگاری داخلی منتشر می‌شود، تا این لحظه، درست و دقیق و شفاف بود. آرایه خبر از سمت ما، هیچ‌وقت در ملغمه دروغ و زورق خوشایند گروهی خاص پیچیده نشده، همچنان جایی برای ما در وسط میدان است. شاید حالا در این آشوب خبری و گمگستگی، این چیزها واضح نباشد، اما بالاخره نیاز به دانستن حقیقت، بدون رنگ‌آمیزی سایبری‌های این‌طرفی و آن‌طرفی، راه را به سمت ما باز می‌کنند. ممکن است کسی نداند که ما باقی‌مانده‌های ناچیز، واقعا چه می‌کنیم و پای کدام قرار ایستاده‌ایم، اما روزنامه‌نگاری هیچ‌وقت درباره «ما روزنامه‌نگارها» نبوده، درباره مردم بوده، درباره دانستن و درباره حقی که برای همه است.

پس حالا که این یادداشت را می‌خوانید، در روزهایی که همه‌چیز در هاله ابهام است و آینده بدون هیچ قطعیتی، فقط يك اسم و تصور است، اگر واقعا روزنامه‌نگارید و همچنان پای اصول ایستاده، دل‌گرم به کار و پیشه خود باشید. از خروج خبر از اولویت نترسید و به آرایه خبر، بررسی آن و دیدنش، بیشتر اهمیت بدهید و توی این گمگستگی، ایستاده بر همان اصول اولیه، از هرچه که برای بهتر فهمیدن مردم و اوضاع و روزگار کمک می‌کند، دریغ نکنید.